

تاریخ آلمان در قرن بیستم

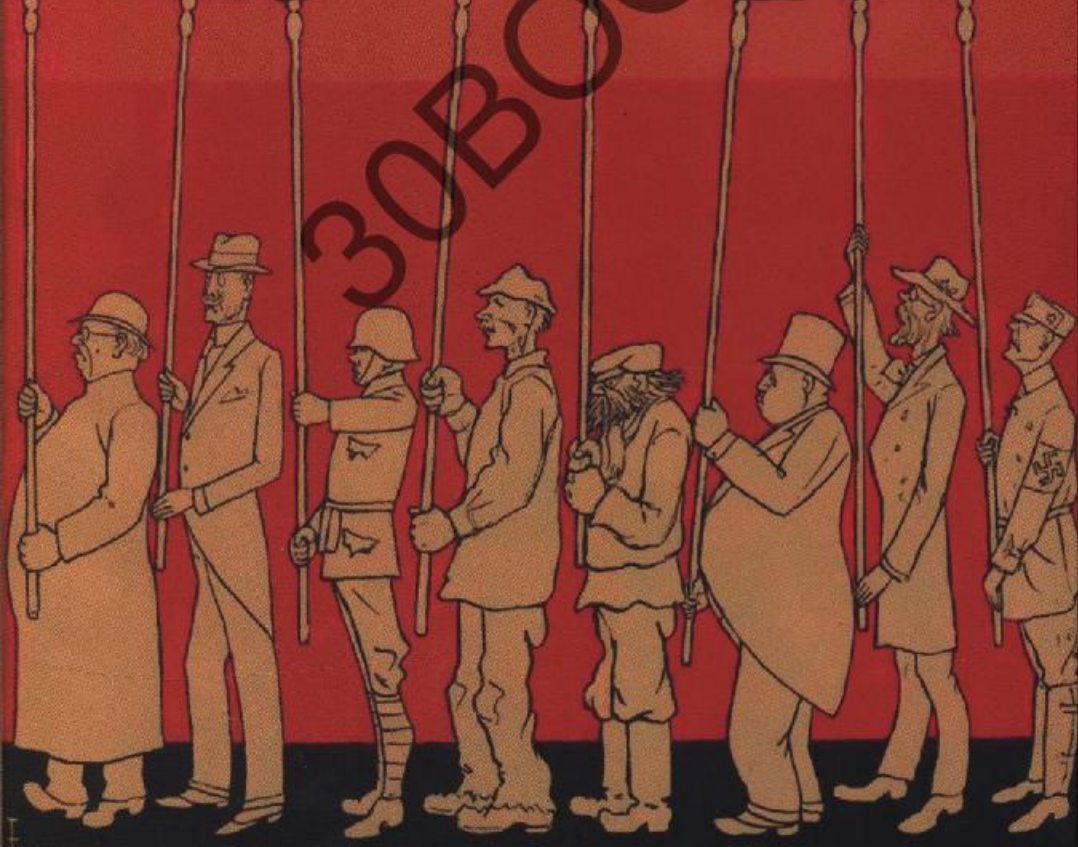
دموکراسی بدون دموکرات‌ها؟

سیاست داخلی جمهوری وایمار

هندریک تس ترجمه مهدي تدیني



REPUBLIK



Thoss, Handrik	تس، هندریک، ۱۹۶۹ م -
دموکراسی بدون دموکرات‌ها؟ سیاست داخلی جمهوری وایمار / هندریک تس؛ ترجمه مهدی تدینی - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۵.	
ISBN 978-600-405-073-9	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۰۷۳-۹
Demokratie ohne Demokraten? Die Innenpolitik der Weimarer Republik	عنوان اصلی:
	تدینی، مهدی، ۱۳۵۹؛ مترجم.
	شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۶۶۱۳۷



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایران‌شهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۲۰۲۴۳۷

فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایران‌شهر و ماهشهر / پ ۱۴۸ / تلفن: ۷-۸۸۲۵۳۲۷۶

Demokratie ohne Demokraten?
Die Innenpolitik der Weimarer Republik
Hendrik Thoss, be.bra Verlag, 2008

■ دموکراسی بدون دموکرات‌ها؟ سیاست داخلی جمهوری وایمار

● هندریک تس ● ترجمه مهدی تدینی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی (تاریخ آلمان در قرن بیستم)

● چاپ اول: ۱۳۹۵ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیثوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-600-405-073-9

● شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۰۷۳-۹

Info@salesspublication.ir

● سایت اینترنتی: www.salesspublication.ir

● قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

این کتاب با رعایت قانون کپی‌رایت منتشر شده است.

فهرست

۱۱ پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی
۱۵ یادداشت مترجم
۱۹ ۱. مقدمه
۲۳ ۲. شکل‌گیری جمهوری آلمان — پایان و آغازی دوباره
۲۹ آشوب‌ها در نیروی دریایی و انقلاب نوامبر
۳۶ بازسازماندهی سیاسی
۴۲ قیام ژانویه و انتخابات مجمع ملی
۵۰ قانون اساسی رایش — نوآوری در کنار نقص‌های ساختاری
۵۷ بحران در عرصه سیاست داخلی زیر سایه انزوای بین‌المللی (۱۹۱۹—۱۹۲۳)
۶۳ احزاب و جریان‌های سیاسی
۶۷ افسانه «خنجر از پشت» و کودتای کاپ-لوت‌ویتس
۷۳ انتخابات مجلس رایش و رادیکال‌شدن فضای سیاسی کشور
۷۷ مسئله غرامات جنگی و «سیاست اجرا» از سوی آلمان
۸۴ مبارزه رور و تورم

- ۹۰..... افراط‌گرایی سیاسی در سال بحرانی ۱۹۲۳.....
۳. «دهه طلایی بیست» - از خیال نا واقعیت ۱۰۵.....
- انتخابات مجلس ۱۹۲۴ در میدان تنش‌های سیاست خارجی ۱۰۷.....
- از ابرت به هیندنبرگ ۱۱۴.....
- سلب مالکیت از شاهزادگان و مناقشه پرچم ۱۱۹.....
- دوره ائتلاف بزرگ ۱۲۶.....
- مسئله ناوچه‌های زوهی و مناقشه صنایع آهن و فولاد رور ۱۲۸.....
- سقوط دموکراسی در سایه بحران جهانی اقتصاد ۱۳۲.....
۴. رایش و ایالت‌ها - تلاش‌ها در راستای اصلاح رایش ۱۳۹.....
۵. فرهنگ سیاسی ۱۴۹.....
۶. فرهنگ توده و نقد تمدن ۱۷۱.....
۷. نابودی جمهوری ۱۹۳۰ - ۱۹۳۳ ۱۸۷.....
- دوره کابینه‌های ریاستی (کابینه‌های منصوب رئیس‌جمهور) ۱۸۸.....
- انتخابات سپتامبر ۱۹۳۰ ۱۹۴.....
- اوج‌گیری حزب ناسیونال‌سوسیالیست کارگران آلمان ۱۹۷.....
- حکومت اضطراری برونینگ ۲۰۵.....
- سیاست‌های مالی و اقتصادی کابینه برونینگ ۲۰۷.....
- بحران در دولت رفاه تحت‌الشعاع سیاست تورم‌زدایی ۲۱۲.....
- سقوط دولت برونینگ ۲۱۹.....
- فرانتس فون پاپن و کابینه «تمرکز ملی» ۲۳۱.....
- «سرنگونی پروس» و انتخابات ژوئیه ۱۹۳۲ ۲۳۵.....

گرفته است که مجمع ملی مؤسسان قانون اساسی مجبور شده بود در سالن تئاتر شهر وایمار در ایالت تورینگن تشکیل جلسه دهد: در پی شورش‌های یگان‌های نظامی و تلاش‌های خشونت‌آمیز نیروهای چپ رادیکال برای براندازی [جمهوری]، نمایندگان مجمع ملی ناگزیر شتابان از برلین پراشوب به وایمار گریخته بودند. از این منظر که بنگریم، جمهوری وایمار مثالی است برای دشواری‌های گونه‌گونی که پس از شکست نظامی در جنگ خارجی — در این‌جا شکست در جنگ جهانی اول — از بازسازی ساختارها و نظام‌های حکومتی پدید می‌آیند: دشواری‌هایی که فضای عمل دولت‌ها را تا حد زیادی محدود می‌کنند.

اما همزمان در تصویر جمهوری وایمار رگه‌های پررنگی از تجدد نیز دیده می‌شود: این تجدد هم در تکامل مداوم قانون‌گذاری اجتماعی (سوسیال) که از دوران امپراتوری ویلهلمی در اواخر قرن نوزدهم آغاز شده بود نمایان است و هم در شکوفایی به راستی پرهیاهوی همه‌اشکال و الگوهای بیان در هنر و فرهنگ معاصر.

این میدان تنش در طول چهارده سال دموکراسی اول آلمان، از آغاز تا پایان، تأثیری سبک‌آفرینی داشته است. این در حالی است که سال‌های پایان جمهوری همراه بود با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و نبردی همواره رادیکال‌تر میان ایده‌ها و خشونت‌ورزان چپ و راست در فضای عمومی. این شرایط منجر به این شد که بسیاری از آلمانی‌ها از ارزش‌ها، ایده‌ها و هنجارهای دموکراسی رویگردان شوند و به بان‌نگران سیاسی‌ای روی آورند که نه‌تنها خواستار گسستی رادیکال با «نظام» بودند، بلکه برای همه آن مشکلات گوناگون و پرشماری که دامان کشور را گرفته بود، در پی راه‌حلی ساده و پایدار بودند. این رویکرد با تأیید بخشی از الیت سیاسی نیز روبرو شد؛ بخشی که — مانند پاول فون هیندنبورگ، رئیس‌جمهور رایش — به نظر دغدغه‌شان «وحدت ملت آلمان» و رای موضوع سیاست حزبی بود. پیامد منطقی این فرایند این بود که در ژانویه ۱۹۳۳ قدرت سیاسی از راه مشروع و دموکراتیک به آدولف هیتلر واگذار شد؛ سیاستمداری که از قضا در زمره سرسخت‌ترین مخالفان این دموکراسی بود و در کم‌ترین زمان ممکن طومار جمهوری را بیچید.

پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی ۱۳

در این جا می خواهم از آقای مهدی تدینی بابت علاقه مندی، همت و آمادگی شان
صمیمانه تشکر کنم که ترجمه این کتاب را از آلمانی به فارسی بر عهده گرفت و بدین سان
آن را در دسترس خوانندگان ایرانی نهاد.

هندریک تس

کمیته س، ژانویه ۲۰۱۶

30BOOK

یادداشت مترجم

در سام ژانویه ۱۹۲۳ مردی از طبقه فرودست، بی‌آن که در هیچ نهاد حکومتی یا نظامی جایگاهی داشته باشد، تنها با اتکا به حزیش به عنوان صدراعظم آلمان برگزیده شد: آدولف هیتلر. در پیشینه حرفه‌ای و تحصیلی‌اش هیچ نقطه درخشانی دیده نمی‌شد و حتا شهروندی آلمانی‌اش را نیز به تازگی و با ترفندهای مردان حزیش توانسته بود بگیرد. بزرگ‌ترین افتخارش شاید همان کودتایی بود که در سال ۱۹۲۳ به تقلید از موسولینی در ایالت بایرن انجام داده بود و به شکل مفتضحانه‌ای شکست خورده بود. اما پشتوانه اصلی او حزب نیرومندی بود که رفته رفته به حکومتی در حکومت تبدیل شده بود و همین ماشین حزبی او را از فرش گمنامی به عرش سیاست جهان رساند. سپس در عرض چند ماه جهره آلمان را چنان دگرگون کرد که از جمهوری وایمار نشانی نماند. از کشوری فرهنگ‌ساز پادگانی تمام‌عیار ساخت و چندی بعد همه اروپا را به زیر چکمه مردان جنگاورش کشید. هر قدر هم که باورها پیرامون هیتلر و چگونگی به قدرت رسیدنش با یکدیگر متفاوت و حتا متضاد باشند، در یک نکته هیچ تردیدی وجود ندارد: هیتلر با فعالیت حزبی، با روش‌های مشروع و از مسیری مردم‌سالارانه به کاخ صدارت آلمان راه یافت. البته بی‌تردید از همان ابتدا هدف اصلی او برچیدن نظام پارلمانی و نابودی جمهوری بود. مگر این جمهوری چگونه پدید آمده بود؟ چه ویژگی‌هایی داشت؟ چرا بسیاری از نیروها و جریان‌های سیاسی در آلمان، به هیچ روی سر‌آشی با این جمهوری نداشتند؟ چگونه جمهوری چنین مساری را در آستین پرورانده بود تا روزی از نیشش از پای درآید؟

در نوامبر ۱۹۱۸، هنگامی که شکست آلمان در میدان جنگ جهانی اول دیگر آشکار شده بود، در پی بالا گرفتن امواج انقلاب در آلمان، نظام سلطنتی مشروطه سرنگون شد. در آلمان جمهوری اعلام شد و همان احزاب جمهوری خواهی که در دهه‌های منتهی به جنگ جهانی اول، فعالیت سیاسی‌شان را در چارچوب تنگ نظام ویلهلم ادامه داده و برای دموکراتیک‌سازی آلمان بسیار کوشیده بودند، اکنون اداره کشور را در دست گرفتند. هیتلر و سایر مخالفان پر شمار جمهوری، این احزاب و دولتمردان جمهوری خواه را «جنایتکاران نوامبر» می‌نامیدند. در تاریخنگاری آلمان این جمهوری پانزده‌ساله به «جمهوری وایمار» معروف است.

این حکومت دموکراتیک در عمر نسبتاً کوتاه خود، روزهای پرفراز و نشیبی را سپری کرد. اما در کل، همواره در زمان ثبات جمهوری، حزب هیتلر منزوی و ناکام بود و هنگامی که جمهوری به تنگناهای سیاسی و اقتصادی می‌افتاد، حزب مجال رشد و شکوفایی می‌یافت. میان تضعیف جمهوری وایمار و تقویت حزب ناسیونال‌سوسیالیست همواره ارتباطی مستقیم وجود داشت. این ارتباط معکوس چنان بود که به قدرت رسیدن هیتلر و حزبش به معنای مرگ دموکراسی وایمار بود. نس روایت شکست جمهوری وایمار، توأمان روایت پیروزی فاشیسم آلمان است.

بنابراین، اصلی‌ترین پرسشی که پیرامون به قدرت فاشیسم در آلمان وجود دارد، این است که دلیل فروپاشی جمهوری وایمار چه بود؟ چه شد که نظام پارلمانی حاکم، دشمن خود را در دامان خود پروراند و رفته‌رفته در برابرش به خاک افتاد؟ در انتخابات پارلمانی ماه مه ۱۹۲۸ حزب ناسیونال‌سوسیالیست هیتلر تنها ۸۱۰,۰۰۰ رأی به دست آورده بود؛ معادل ۲,۶ درصد آرا. اما تنها چهار سال بعد، در انتخابات پارلمانی ژوئیه ۱۹۳۲ حزب توانست با کسب ۳۷,۴ درصد آرا، شمار رأی‌دهندگان خود را به ۱۳ میلیون و ۷۵۰ هزار نفر برساند. این جهش خیره‌کننده را چگونه می‌توان توضیح داد؟ اما مهم‌ترین نکته این است که آسیب‌شناسی جمهوری وایمار همزمان آسیب‌شناسی ماهیت نظام‌های جمهوری و پارلمانی است. به همین دلیل است که مطالعه تاریخ سیاسی پانزده‌ساله جمهوری وایمار اهمیتی فراوان دارد، زیرا با کالبدشکافی آن می‌توان به مرض مهلکی پی برد که در کالبد

هر نظام حکومتی مشابه دیگر نیز می‌تواند رخنه کند با این اوصاف، کتابی که به تاریخ سیاسی جمهوری وایمار می‌پردازد، بیش از هر چیز باید با نگاهی آسیب‌شناختی این پرسش‌های اساسی را پاسخ دهد.

هندریک تِس^۱، تاریخ‌نگار و استاد رشته تاریخ اروپا در دانشکده فلسفه دانشگاه کمینیس^۲ آلمان، تصویری کامل از جمهوری وایمار ترسیم می‌کند، بدون آن‌که ذهن خواننده را بیش از حد درگیر جزئیات کند. کتاب تاریخ جمهوری وایمار (طرح نو ۱۳۸۴)، نوشته آرتور روزنبرگ تنها کتابی است که تا کنون پیرامون جمهوری اول آلمان به فارسی منتشر شده است. از ترجمه شایسته دکتر خرابی که بگذریم، دو نکته را باید در نظر داشت: نخست آن‌که روزنبرگ در دوران جمهوری وایمار خود از چهره‌های شاخص حزب کمونیست آلمان بود و گرچه پس از اخراج از حزب در اندیشه‌های رادیکال خود کمی بازنگری کرد، اما به هر روی، روایت او از جمهوری وایمار روایتی کمونیستی است. دوم این‌که روزنبرگ کتاب را در سال ۱۹۳۵ نوشته و بیش‌تر به سال‌های نخستین جمهوری وایمار پرداخته و به سه سال آخر جمهوری هیچ اشاره‌ای نکرده است؛ یعنی درست همان سال‌هایی که جمهوری آلمان در سرایشی سقوط افتاده بود البته این ملاحظات از ارزش و اهمیت آن کتاب هیچ نمی‌کاهد. اهمیت جمهوری وایمار و نیاز به ارائه روایتی غیرایدئولوژیک از آن، نگارنده این سطرها را بر آن داشت کتاب پیش رو را به فارسی برگرداند.

انتشارات ببرا^۳ با سرپرستی سه استاد برجسته تاریخ معاصر^۴ مجموعه‌ای تا کنون شانزده جلدی را با عنوان «تاریخ اروپا در قرن بیستم» منتشر کرده است که کتاب دموکراسی بدون دموکرات‌ها؟ سیاست داخلی جمهوری وایمار^۵ (اکتبر ۲۰۰۸) ششمین

۱. Hendrik Thoß (متولد ۱۹۶۹ م).

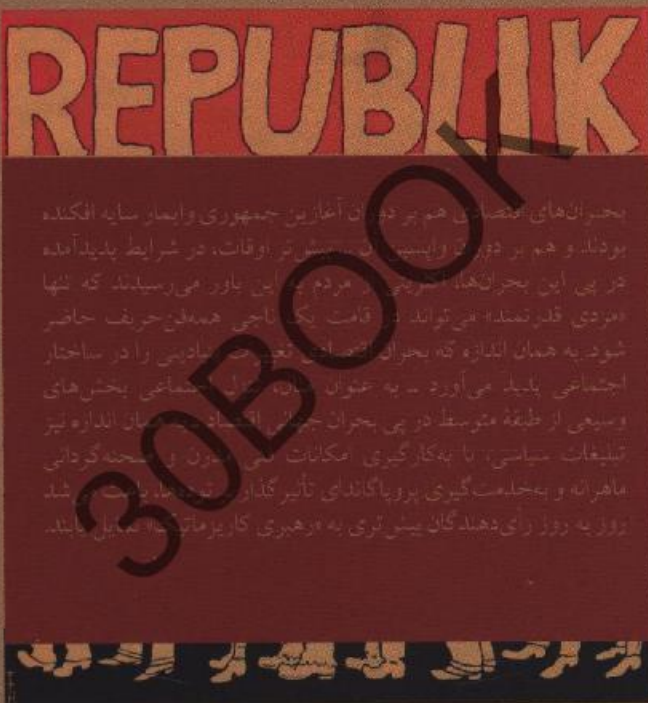
۲. Technische Universität Chemnitz

۳. be.bra Verlag

۴. پروفیسور فرانک لوتار کروزل (Frank-Lothar Kroll) از دانشگاه کمینیس؛ پروفیسور زونکه تایتسل (Sönke

Neitzel) از دانشگاه ماینس؛ پروفیسور مانفرد گورتماکر (Manfred Görtemaker) از دانشگاه پندام.

۵. *Demokratie ohne Demokraten? Die Innenpolitik der Weimarer Republik*



کارتون روی جلد: طرح جلد نشریه نکاهی سیپال مسسوس، شماره مارس ۱۹۲۷

شماره ثالث

۲۶۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-405-073-9



9 786004 105073 9

